



A Study of the Concept of Sediton in the Qur'an and Nahj al-Balagha with Emphasis on the Concept of Positive Sediton and Negative Intrigue

Zohre Akhavan Moghadam ¹

1. Associate Professor, Department of Quran and Hadith science, University of Science and Education University of Quran, Qom, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2021.12918

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_12918.html

Corresponding Author:
Zohre Akhavan Moghadam

Email:
dr.zo.akhavan@gmail.com

Received: 2021/09/14

Accepted: 2021/11/08

Available: 2021/12/05

Open Access



Keywords:

Nahj al-balagha, Qur'an, positive intrigue, negative intrigue, conceptualization.

ABSTRACT

The root "F T N" are 60 times and the word "intrigue" are 34 times in the Qur'an. The extent of the Quranic use and the narrative of this word, as well as different words, and sometimes the contradictory scholars of the words and commentators, have led to the density and controversy of intense votes, which are sometimes the root meaning of that mixed with its priorities or supplies. This writing seeks to identify the concept of sedition and its dimensions in the Qur'an and Nahj al-Balaghah and the words of Amiralmominin the result of the result that sedition in their Qur'anic frequency has come to the meanings of the "torment" "destruction", as well as "creating anxiety and compassionate space". . The exam involves blessings and politics, both for clean humans and guilty, and aimed at educating. In Nahj al-Balaghah, sedition has also been used in all meanings, and meant the opposition and the creation of misleading atmosphere, much wider. Therefore, Amiralmomin (AS) in expressing the signs of sedition, the origins of sedition, as well as the ways to fight sedition, are abundant. Although all of these matters are mentioned in the collapse of the Qur'an, but in Nahj al-Balaghah.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



بررسی مفهوم فتنه در قرآن و نهج البلاغه با تأکید بر مفهوم فتنه مثبت و فتنه منفی

زهره اخوان مقدم^۱

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2021.12918

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_12918.html

چکیده

نویسنده مسئول:

زهره اخوان مقدم

ایمیل:

dr.zo.akhavan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

فتنه، نهج البلاغه، قرآن، فتنه مثبت، فتنه منفی، مفهوم شناسی.

ریشه "فتنه" ۶۰ بار و واژه "فتنه" ۳۴ بار در قرآن آمده است. گستردگی کاربرد قرآنی و روائی این واژه، و نیز سخنان متفاوت و گاه متناقض عالمان واژه‌شناس و مفسران، موجب تشتت و اختلاف آراء شدید گشته، که گاه معنای ریشه با مقدمات یا لوازم آن اختلاط یافته است. این نگارش به دنبال مشخص کردن مفهوم فتنه و ابعاد آن در قرآن و نهج البلاغه است جمع آوری مطالب در این مقاله کتابخانه ای بوده و روش تحقیق توصیفی و تحلیلی می‌باشد. نتیجه آن شد که فتنه در بسامد قرآنی خود، به معانی "امتحان" "عذاب" "هلاکت" و نیز "ایجاد فضای اضلال و شبهه افکنی" آمده است. امتحان شامل نعمت و نعمت می‌شود که هر دو برای تمیز انسان‌های صالح و طالح لازم بوده و با هدف تربیتی انجام می‌شود. در نهج البلاغه نیز فتنه در همه معانی فوق استعمال شده، لیکن به سبب موقعیت خاص اجتماعی و سیاسی بعد از حیات پیامبر (ص) تا انتهای عصر خلافت امام علی (ع)، به معنای اضلال و اختلاف افکنی و ایجاد فضای گمراه کننده، بسیار گسترده تر بکار رفته است. از همین رو امیرالمومنین (ع) در بیان نشانه‌های فتنه، خاستگاه‌های فتنه، و نیز راه‌های مبارزه با فتنه همت فراوان گماشته‌اند. اگر چه همه این امور چنانچه دأب قرآن است، در کلام الهی به صورت کلی ذکر شده‌اند، ولی در نهج البلاغه، حضرت علی (ع) مصادیق فتنه را از عصر جاهلیت تا نسل معاصر خود به طور مفصل تحلیل نموده، و جریان‌شناسی و آسیب‌شناسی فرموده است.

بیان مسأله

قرآن، در باره "فتنه" فراوان سخن گفته و نوعی از آنرا بسیار نکوهیده، و شدیدتر از کشتار و قتل نامیده است، (بقره/۱۹۱)، و بزرگتر از قتل (اسراء/۳۳). نامیده است. این سخن عجیب، پرسش مهمی را به ذهن هر خواننده فهیم تداعی می‌کند که به راستی فتنه چیست و چه تبعاتی دارد که تا این حد از سوی خداوند خالق انسان مذمت شده است؟ خداوندی که کشتن انسان‌ها را گناهی عظیم شمرده و برای مرتکب قتل، غضب و لعن الهی و نیز عقوبت آتش جهنم مقرر فرموده (نساء/۹۳)، و حتی کشتن یک بی‌گناه را معادل کشتن همه مردم برشمرده (مائده/۳۲)، با همه اینها، چطور "فتنه" را از قتل و کشتن انسان‌ها بزرگتر و بدتر معرفی نموده است؟!؟

این سؤال مهم، کاوش در باره انواع فتنه، و چیستی و چگونگی آنرا، ضروری می‌سازد. از این رو نشانه‌های فتنه و فتنه‌گران و نیز راه‌های مقابله با آنرا در تعالیم قرآن، و نیز "اخ‌القرآن" یعنی کلام امیرمؤمنان علی(ع) بر می‌کاویم. به عبارت دیگر با توجه به وجود و اتفاق افتادن فتنه در جوامع اسلامی، ضرورت دارد که این مسئله به طور دقیق مفهوم‌شناسی شود تا معنای دقیق آن، انواع آن، نشانه‌های آن و نشانه‌های فتنه‌گران روشن شود همچنین قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع اسلامی و نهج‌البلاغه به عنوان مهم‌ترین منبع شیعی می‌تواند ما در این مسئله یاری کند. قرآن کلیاتی را در بحث فتنه فرموده و بسیاری از مصادیق عملی آن در زمان امیرالمومنین اتفاق افتاده از همین رو این دو کتاب برای بررسی انتخاب شده‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی فتنه

۱-۱. معنای "فتنه" در معاجم لغت

کتاب لغت، درباره معنای فتنه و ریشه آن، سخنان متفاوتی گفته‌اند، فراهیدی، معنای ریشه "فتن" را سوزاندن چیزی در آتش می‌داند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ص ۱۲۷). ابن فارس معتقد است که ریشه سه حرفی "فتن"، اصلی واحد است و براختبار و آزمایش دلالت دارد. وی بر آن است که "سوزاندن طلا در آتش" را نیز از آن جهت که برای اختبار و عیارمند کردن طلا لازم است، با فعل "فتن" می‌آورند، نه آنکه این ریشه، به معنای سوزاندن باشد (ابن فارس، بی تا: ج ۴، ص ۴۷۲).

راغب نیز معنای "فتن" را، داخل کردن طلا در آتش، به منظور جدا شدن ناخالصی‌های آن، که در مورد به آتش افکندن انسان نیز بکار می‌رود. (راغب، ۱۴۱۲ق: ص ۶۲۳). در "مصباح‌المنیر" هم فتنه به معنای محنت و ابتلا ذکر شده (فیومی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ص ۴۶۲). مجمع‌البحرین نیز، همین سخن را ذکر نموده، و معنای "ذنب" را هم افزوده است. (طریحی، ۱۳۶۷ ش: ج ۶، ص ۲۹۱).

ابن منظور در "لسان‌العرب" دو کاربرد لغوی ۱- سوزاندن چیزی در آتش به قصد اختبار و آزمایش، و ۲- حالت و وضعیت یک چیز برای این ریشه برشمرده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق: ج ۱۳، ص ۳۲۱). مصطفوی نیز

معتقداست که هر چه موجب اختلال و اضطراب گردد، فتنه نامیده می‌شود، که دارای مصادیق متعدداست، مانند مال و اولاد، اختلاف‌های اعتقادی، عذاب، کفر، دیوانگی، هر نوع آزمایش و امتحان، و... (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۹، ص ۲۴).

۱-۲. کاربردهای قرآنی واژه فتنه

در کتاب "الوجوه و النظائر" فتنه به معنای: شرک، کفر، امتحان، عذاب دنیوی، به آتش سوزاندن، قتل، مانع شدن و جلوگیری کردن، گمراه نمودن، عذرآوری، و عبرت‌آموزی، آمده‌است. (ابن موسی، ۱۴۰۹ق: ص ۸۰-۷۸). پس از آن، وجوه‌نویس دیگری در کتاب خود، افزون بر ده وجه فوق، پنج معنای دیگر را نیز اضافه کرده‌است: گناه، شر، دیوانه شدن، لغزاندن، و خواهش‌ها (حبیبش بن ابراهیم، وجوه القرآن، ۱۳۶۰ش: ص ۲۲۵). همچنین در کتاب "الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزيز" (دامغانی، ۱۴۱۲ق: ص ۱۲۳)، و کتاب "وجوه القرآن الکریم" (ضریر، ۱۹۹۶م: ص ۲۵۱) نیز وجوه متعدد معنایی برای این واژه دیده می‌شود.

۱-۳. معنای فتنه از دیدگاه مفسران

"فتن" و مشتقات آن ۶۰ بار و "فتنه"، ۳۴ بار در قرآن آمده‌است. غالب مفسران فریقین، معنای اصلی کلمه را آزمایش و امتحان می‌دانند. در تفسیر "تبیان" فتنه به معنای محنت و آزمایش آمده (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۳۷۷) آن هم آزمایشی که فرجامش کفر است. (همان، ج ۲، ص ۱۴۷). در تفسیر "مجمع البیان" (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۵۱۱) و "المیزان" (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۵۴۱) نیز سخنان مشابه دیده می‌شود. علامه معتقد است که فتنه امری است که به وسیله آن، وضعیت چیزی مورد امتحان قرار می‌گیرد، و لذا هم بر امتحان، و هم بر لازمه امتحان یعنی شدت و عذاب، و هم بر اسباب عذاب، یعنی شرک و گمراهی اطلاق می‌گردد (همان، ج ۲ ص ۶۲). "طبری" با استناد به برخی روایات، فتنه را به معنای "بلاء" تفسیر کرده است (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۶۴۷). در تفسیر کبیر، فتنه به معنای آزمایش و محنت آمده، که به موجب آن، انسان فرمان‌بردار و مطیع، از شخص گنه‌کار باز شناخته می‌شود (فخر رازی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۶۳۲).

۱-۴. معنای نهائی

به نظر می‌رسد آنچه در معجم "التحقیق" آمده، صحیح‌تر بوده و بر همه کاربردها و مصادیق فتنه، اعم از مثبت یا منفی، و اعم از قرآنی و روایی، قابل تطبیق است. نگارنده این معجم معتقد است هر چه موجب اختلال و اضطراب و زیر و رو شدن گردد، فتنه نامیده می‌شود، که دارای مصادیق متعدد است، مانند مال و اولاد، اختلاف‌های اعتقادی، عذاب، کفر، دیوانگی، هر نوع آزمایش و امتحان، و... (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۹، ص ۲۴). بر این اساس، فتنه مفهومی عام دارد و از گستره معنایی وسیعی برخوردار است که مفاهیمی چون امتحان، ابتلاء، عذاب، و سوزاندن را در برمی‌گیرد، و اعم از مثبت و منفی می‌باشد.

در نهایت باید گفت که نتیجه بحث و مؤلفه‌های معنایی فتنه شامل موارد زیر می‌شود:

- * واژه فتنه یک مفهوم عام است و بر مصادیق متعددی قابلیت انطباق دارد.
- * واژگان ابتلاء، امتحان، و افتتان اگر چه قرابت معنایی دارند، اما هر یک از آنها مؤلفه معنایی ویژه‌ای دارند، که باعث می‌شود استعمال هر کدام به جای دیگری، بدون توجه به قیود و مؤلفه‌های آن، جایز نباشد.
- * گستره معنایی فتنه از دو واژه دیگر، وسیع‌تر است.
- * برخی از معانی که برای فتنه استعمال می‌شود، از لوازم، یا اسباب، یا مقدمات، و یا نتایج فتنه است که گمان می‌شود معنای فتنه همان است.
- * با توجه به معنای واقعی فتنه، یعنی "ایجاد اختلال در نظم فعلی شیء"، معلوم می‌شود که فتنه در مفهوم عام، همیشه مکروه و ناپسند نیست، و نسبت دادن آن به خداوند در قرآن، خود تأیید این مدعاست. لذا مثبت یا منفی بودن فتنه، بستگی به فاعل آن و هدفش دارد.
- * اگر فتنه با هدف پیشرفت مفتون، و یا خالص‌سازی آن و اعطاء رتبه صورت بگیرد، بسیار نیکوست، و فتنه‌کننده نیز ممدوح و قابل تحسین؛ و اگر فتنه‌کننده با هدف غیرمقبول، و به جهت جلوگیری از دین خدا نظم امور را به هم زند، بسیار قبیح است و فاعل آن قابل سرزنش، و به تعبیر قرآن مستحق عذاب.
- * فتنه مذموم همان ایجاد پریشانی در اذهان و افکار جامعه، و بوجود آوردن فضای تاریک، و برهم زدن نظم امور است، تا فتنه‌گر از میان این آب گل آلود، برای اهداف خود ماهی بگیرد. از همین رو شیطان را فتنان نامیده‌اند، و هر کس مانند او عمل کند، شیطانی است.
- * فتنه می‌تواند مفید و لازم باشد که در این نوشتار از آن با عنوان "فتنه مثبت" یاد می‌کنیم. غالباً فاعل این نوع، خداوند است که با اسباب متعددی آنرا جاری می‌کند. نیز فتنه ممکن است مضر بوده، مایه گمراهی شخص و جامعه گردد. فاعل این نوع فتنه، در اصل شیطان است و به دست کافران و منافقان در درجه اول، و افراد ساده لوح و کم تجربه و ضعیف‌الایمان در درجه دوم شکل می‌گیرد، و هدف آن چیزی جز شبهه‌افکنی و ضلالت گسترده نیست. در این نوشتار از این نوع با عنوان "فتنه منفی" یاد می‌شود.

۲. فتنه و بسامد قرآنی آن

چنانچه ذکر شد، ریشه فتنه و مشتقات آن در کلام الهی کاربرد وسیعی دارد که بالغ بر ۶۰ مرتبه می‌باشد. بررسی همه آیات، مجال گسترده‌تری می‌طلبد، ولی به مهم‌ترین آنها (که جامع مفهوم اکثر آیات هست) اشاره می‌کنیم:

۱-۲. نسبت دادن فتنه به خداوند

قرآن در قالب یک سؤال تقریری، وجود فتنه و امتحان را برای همه انسان‌ها تثبیت کرده است «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ (عنکبوت/۲). فاعل این نوع فتنه که ما از آن با عنوان "فتنه مثبت" یاد

می‌کنیم، در آیات الهی خود خداوند می‌باشد، و وجود چنین فتنه‌هایی برای تکامل و پیشرفت بشر و نیز جداسازی مؤمنان از منافقان و کافران ضروری است. (عنکبوت/۳)، خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ (طه/۸۵)، این آیه نشان می‌دهد که اسباب امتحان را خدا فراهم می‌کند، ولی در گمراهی یا هدایت افراد مورد امتحان، دخالتی ندارد، و هر فردی به اختیار خود می‌تواند یکی از دو راه را برگزیند. خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ (ص/۳۴)، برخی تفاسیر ذیل آیه اساساً با مقام نبوت سازگار نیست. اما به طور خلاصه ماجرا چنین بوده که جناب سلیمان بواسطه یک عمل عبادی، از یک عمل عبادی دیگر، که گویا نماز عصر یا ذکرهای عصرانه اش بوده، باز می‌ماند و خداوند جسدی را که گویا تنها فرزندش بوده، جهت ابتلاء و امتحان بر تخت او می‌گذارد. سلیمان متوجه ترک اولی شده و توبه می‌نماید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۷، ص ۲۰۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۳، ص ۱۵۵؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴: ص ۱۲۶؛ طیب، ۱۳۷۸ش: ج ۱۱، ص ۲۴۲).

در این آیه نیز خداوند فتنه را به خود نسبت داده، و تصریح می‌کند که حضرت سلیمان، از این امتحان الهی سربلند بیرون آمده و توبه نموده است. در آیه‌ای دیگر خداوند می‌فرماید: وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (دخان/۱۷)، این آیه سخن از عذابی دارد که جهت امتحان، بر اهل مکه نازل شد و آنان از پیامبر (ص) خواستند که برای رفع عذاب دعا نماید تا ایمان بیاورند؛ ولی پس از برطرف شدن عذاب، به عهد خویش وفا ننمودند. خداوند می‌فرماید که این امر تازه‌ای نیست. قبل از ایشان نیز قوم فرعون را امتحان نمودیم و با پیامبر کریمشان همین عهد را نمودند، ولی وفا نکردند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۱۹۹؛ حسینی همدانی، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۷۱).

۲-۲. فتنه به معنای امتحان

علاوه بر آیات فوق الذکر، که فاعلیت الهی را برای ایجاد فتنه و امتحان بیان می‌کرد، و به همین جهت در آغاز و جداگانه ذکر شد، آیات بسیاری در قرآن موجود است، که مشتقات فتنه در آنها به معنای امتحان آمده است. ارتباط این کاربرد "فتنه" با معنای اصلی واژه، کاملاً مراعات شده، زیرا امتحان چیزی است که نظم روزمره زندگی یک انسان یا یک جامعه انسانی را، بواسطه یک اتفاق، یا حادثه یا مصیبت برهم زده، دگرگون و متفاوت می‌سازد، و شکل قبلی را تغییر می‌دهد.

۲-۲-۱. امتحان، اعم از "نعمت" و "مصیبت"

در تمامی این آیات، مراد از فتنه، همان امتحان الهی است که گاهی با ایجاد فقر و مصیبت و گاهی با نعمت، اتفاق می‌افتد: فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِي؛ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (فجر/۱۵ و ۱۶). آیه وَ نَبَلُّوكُمْ بِالْأَشْرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً (انبیاء/۳۵) امتحان، را اعم از خوبی‌ها و بدی‌ها

می‌داند. در آیه دیگر مال و اولاد نیز مایه فتنه و امتحان شمرده شده‌اند: **وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (أنفال/۲۸)**. بدیهی است که ثروت و فرزند از نعمت‌های الهی هستند و حتی در تعالیم اهل بیت (ع) به مردم آموزش داده شده که این نعمت‌ها را از خدا طلب نمایند. در عین حال، همین نعمت‌ها، مایه اختبار و امتحان مردم شمرده شده‌اند.

۲-۲-۲. امتحان و نوع موضع‌گیری در برابر آن

نوع برخورد شخص یا اشخاص امتحان شونده، با شرایط ایجادشده اهمیت یه سزایی دارد. به تعبیر قرآن، انسان امتحان شونده اگر به نعمتی برسد، گمان می‌کند که دلیل اِکرام و انعام الهی است و می‌گوید: خدا مرا دوست دارد! و اگر دچار مشکلات گردد، می‌گوید: خدا مرا مورد اهانت و بی توجهی قرار داده است!

قرآن در آیه‌ای دیگر به موضع‌گیری غلط و زیانکار بودن، و سطحی‌بودن ایمان چنین افرادی اشاره می‌کند: **وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْبِدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ، فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ، خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (حج/۱۱)**، بنابراین هر نعمت و نعمت الهی می‌تواند مایه امتحان باشد و مؤمن واقعی، که ایمانش تنها زبانی نیست، در هر دو وضعیت از اعتدال خارج نشده و خود را دچار خسران نمی‌کند. قرآن در آیه دیگر می‌فرماید: **أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟** بر اساس آیه، مجرد ایمان زبانی مقبول نیست، مگر آنکه ایمان آورنده از فتنه‌ها و امتحان‌های الهی سربلند بیرون آمده و پایداری و ثبات خویش را در راه ایمان و اعتقادش به اثبات برساند.

۲-۳. فتنه به معنای عذاب و هلاکت

برخی آیات مرتبط با ریشه "فتن" و مشتقات آن به معنای عذاب، اعم از دنیوی و آخروی هستند. فتنه به معنای عذاب دنیوی مانند آیه: **... وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا... (مائده/۴۱)**، غالب مفسران، فتنه در آنرا به معنای عذاب و عقاب‌های دنیوی دانسته‌اند که به سبب سوء اعمال، دامنگیر کفار و منافقان و گنهکاران می‌شود (ن.ک: یساقی، ۱۳۸۰ش: ص.۵۵).

فتنه به معنای عذاب آخروی آنجاست که خداوند، ویژگی‌های قیامت را بر می‌شمرد، و می‌فرماید: **يَوْمَهُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَنُونَ (ذاریات/۱۳)**. سپس برای تثبیت مطلب، و نشان دادن اینکه این عذاب به واسطه اعمال خودشان نصیبشان شده، خطاب خویش را به مستحقان عذاب بیان می‌کند: **ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (ذاریات/۱۴)**.

۲-۴. فتنه به معنای آشوب‌گری و جوسازی و ایجاد فضای شبهه انگیز

منظور از فتنه در اینجا اغتشاش و آشوبی است که سبب اختلال در نظم امور، و اضطراب در شرایط موجود می‌شود. ما این مفهوم از فتنه را در این نوشتار، فتنه منفی می‌نامیم. فتنه منفی، یعنی ایجاد فضایی توهم انگیز، تیره‌گون، غبارآلود، شبهه‌ناک، و تردیدآور در محیط اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

۲-۴-۱. کاربرد فتنه در معنای اضلال و شبهه افکنی

خداوند متعال هر جا که قصد بیان واقعیت‌های تاریخی امت‌های پیشین را داشته، و فضاهای اجتماعی آنان را به قصد عبرت آموزی به تصویر کشیده، "فتنه" را بدین معنای منفی بکار برده است. لازم به ذکر است که در کنار چنین فتنه‌هایی نیز، مقوله امتحان حذف نمی‌شود و مردم به واسطه نوع موضع‌گیری‌شان در مقابل فتنه، و پایداری در برابر اختلاف‌ها، و صبر و شکیبائی، و تلاش در فهم حقیقت و جداکردن حق از باطل، مورد امتحان و اختبار قرار می‌گیرند، اما چنانچه مفسران نیز تصریح کرده‌اند، امتحان مذکور، از لوازم فتنه است، نه خود آن. اگر چه برخی عالمان و آژیه‌شناس و مفسر، به غلط این فتنه را امتحان معنا کرده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۶۴۳). در ظهور و بروز چنین فضایی تیره‌گون و هول‌انگیز، عوامل گوناگونی نقش دارند، مشرکان و کافران در طول تاریخ انسانی و نیز اسلامی با نیرنگ و فریب، فضای جوامع را برای استثمار دیگران و بهره‌وری خود به تیرگی کشاندند و از این عوامل برای اهداف شوم خویش سود جستند. به سبب این آثار منفی فتنه است که قرآن، آنرا اشد و اکبر از قتل نامیده (بقره/۱۹۱؛ اسراء/۳۳). فتنه باعث کشته شدن افراد متعدد می‌شود، و با ایجاد فضای وهم‌انگیز، قاتل یا مقتول، و یا هر دو در شک و تردید، و بدون ایمان باشند. مفسران معتقدند که فتنه در این دو آیه به معنای منحرف کردن مردم از دین خدا و گمراه ساختن ایشان است که این عمل، گاه با القاء شبهات و گاه با شکنجه و آزار صورت می‌گیرد. (فخررازی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۳۹۱).

۲-۴-۲. فتنه معادل فنا و نیستی روح انسان

خداوند بزرگ با هر چیزی که مانع فهم و هدایت و سعادت بشر شود، به مقابله برخاسته و به شدت از آن نهی می‌کند. در دو آیه (بقره/۱۹۱؛ اسراء/۳۳) نیز خداوند فرمان می‌دهد کسانی را که مانع راه خدا و ایمان مردم شده و با ایجاد مشکل در جامعه برای دینداران، باعث شوند که مردم از گرویدن به دین خدا منصرف گردند، یا مجبور به قبول کفر شوند، بکشید زیرا این چنین فتنه‌گری از قتل بدتر است. سیدقطب در تبیین فتنه می‌گوید: فتنه در دین، تجاوز و دشمنی با مقدس‌ترین چیزی است که در حیات انسان وجود دارد، و از این رو از قتل، یعنی گرفتن جان مردم، شدیدتر است، چون از بین بردن دین، مساویست با فنا و نابودی روح و لذا از حیث ضرر، عظیم‌تر است. این فتنه گاه ممکن است با تهدید و آزار جسمی همراه باشد، و گاه بدون آن، و تنها با ایجاد فضای فاسد، که نتیجه آن گمراهی‌آفرینی، فسادگستری، و دور ساختن مردم از منهج الهی، و نیز زینت دادن کفر و روی گردانی

از خداست (سیدقطب، ۱۴۱۵ق، ج ۱ ص ۱۸۹). ایجاد چنین فضایی را قرآن نکوهش کرده و چنین فتنه‌انگیزی را مستحق مرگ می‌داند: وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ (بقره/۱۹۳) و نیز آیه: (انفال/۳۹). زیرا در فضای تاریک و خوف‌انگیز، شخص از آزادی انتخاب برخوردار نیست. اگر فتنه‌گران آزار جسمی هم داشته باشند، شخص بر سر دو راهی می‌ماند که آیا دین را بپذیرد و صبر و مقاومت را پیشه ساخته و شکنجه و آزار و تلخکامی را به جان بخرد، و به همین سبب، شیرازه زندگیش از هم گسسته و در امور دنیوی و معاش و معاشرت دچار مشکل شود، و در محدودیت قرار گیرد؟ و یا دست از پذیرش دین بردارد؟

۳. کاربرد فتنه در نهج‌البلاغه

در روایات و نهج‌البلاغه، فتنه بسیار به کار رفته است که در ادامه به بررسی فتنه در نهج‌البلاغه خواهیم پرداخت.

۳-۱. فتنه مثبت با هدف تربیتی

از دیدگاه حضرت علی(ع) فتنه به معنای "امتحان الهی" دارای نقش مثبت تربیتی است، مشروط بر آنکه شخص با روحیه متعهد اسلامی و معرفت مسؤولانه اخلاقی با آن برخورد کند، و چنانچه گذشت، ما آنرا فتنه مثبت نامیدیم. امام(ع) این مفهوم از فتنه را، لازمه طبیعت زندگی و وجود آدمی می‌داند، و حیات متکامل را بدون آن غیرممکن می‌شمرد. این نوع از فتنه همان است که امیرالمؤمنین(ع)، ضمن اشاره به ضرورت وجود فتنه برای انسان، تأکید می‌کند نباید آنرا مکروه بشماریم، آنجا که شنید شخصی از فتنه به خدا پناه می‌برد، فرمود: لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ" لَأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمَلٌ عَلَى فِتْنَةٍ؛ وَلَكِنْ مِنْ اسْتِعَاذَ فَلَيْسَتْ عِزٌّ مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: "وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ؛ وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ، يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ لِيَتَّبِعَنَّ السَّخَطَ لِرِزْقِهِ وَالرَّاضِيَ بِقِسْمِهِ، ... (نهج‌البلاغه، حکمت ۹۰).

بر اساس این سخن مولا(ع)، نباید از هر فتنه‌ای دوری جست و عدم وجود آنرا آرزو کرد؛ زیرا چه بسا فتنه‌ای که دارای آثار تربیتی فراوان است، و موجب استحکام ایمان و تقرب به خداوند شده، و مقدمه سرفرازی انسان مورد امتحان، و پیشرفت‌های روحی - معنوی اوست.

۳-۲. فتنه منفی با هدف گمراه‌سازی و اختلاف افکنی

امیرالمؤمنین(ع) پیوسته مردم را به توبه و آشتی با یکدیگر، و مقابله با آشوب‌ها و ناآرامی‌ها امر فرموده، و انحراف از کتاب و سنت را تقبیح نموده و از مخالفان خواسته که از اقدامات فساد انگیز خود توبه کنند و در راه اقتدار روش و سنت نبوی تلاش نمایند. نیز امام(ع) وجود فتنه را از نظر تاریخی مورد تحلیل قرار داده و جریان‌شناسی نموده، و آغاز آنرا در عهد جاهلیت معرفی می‌کند. پس از آن، در جای جای سخنانش، یک به یک فتنه‌ها را معرفی و فتنه‌گران را رسوا می‌سازد. اینک معرفی این فتنه‌ها:

۳-۲-۱. فتنه‌های پیش از حکومت امام علی (ع)

امام علی (ع) در جریان شناسی فتنه، ابتدا به نمونه قبل از اسلام اشاره می‌نماید. در خطبه‌ای که از نظر زمانی پس از فتنه صفین ایراد کرده، به سال‌ها قبل توجه نموده می‌فرماید: «... وَالنَّاسُ فِي فِتْنٍ أَنْجَذَمَ فِيهَا حَبْلُ الدِّينِ ... وَقَامَ لُوَاؤُهُ فِي فِتْنٍ دَأَسَتْهُمْ بِأَخْفَافِهَا وَوَطَّئَتْهُمْ بِأَظْلَافِهَا...» (نهج البلاغه، خطبه ۲).

امیرالمومنین در این خطبه تصریح می‌کند پیامبر (ص) در حالی مبعوث شد که مردم به فتنه‌هایی مبتلا بودند. این فتنه‌ها آنچنان بود که رشته دین در آن قطع، و پایه‌های یقین ناستوار، و امور در آن متشتت و در هم ریخته، و پندارها با حقیقت در آمیخته، چراغ هدایت بی‌نور، و دیده حقیقت بینی کور، و همگان به خدا نافرمان و...

امیر مؤمنان (ع) پس از شمردن نشانه‌های جامعه مبتلا به فتنه، در فراز دوم به ریشه این نشانه‌ها که همانا پیروی شیطان است اشاره نموده و می‌فرماید: آنان بذر دوستی شیطان را در دل کاشتند و محبتش را در دل خود جا دادند و بیرق او را برافراشتند، در حالی که فتنه چون شتری مست در پی آنها بود و پایمالشان می‌کرد و چنگال تیز در بدنشان می‌نمود ولی (بجای فکر چاره) سرگردان و درمانده بودند و...

امام (ع) در این خطبه، دیدگاه خویش را در باره نمونه‌ای از فتنه به عنوان پدیده‌ای سیاسی در جوامع بشری بیان کرده و اشاره می‌کند که وقتی جامعه تحت نظام اخلاقی قرار نگیرد و از حیات معنوی و سالم بی بهره باشد، رشته دین سست و ناستوار است. چنین اجتماعی ناپایدار است، حتی اگر از نظر نظام اقتصادی و سیاسی از موقعیت خوبی برخوردار باشد؛ زیرا خود را از وحی گسسته و از همین روی، روی سعادت را نخواهد دید. آنگاه که ارزش‌های الهی رنگ باخته و ارزش‌های فردی محترم شود، فقدان نظام اخلاقی و معنوی، جامعه را به سوی قهقرا می‌برد. اینها خصوصیات جامعه‌ای است که دچار فتنه فراگیر شده، و از خدا فاصله گرفته بود.

هرچند شرایط در عصر رسول خدا بهتر شد اما در زمان ایشان نیز فتنه‌هایی وجود داشت از جمله داستان و فعالیت‌های منافقان که منجر به رسوا شدن آنها و نزول سوره منافقان شد (ابن هشام، ۱۳۵۵ق: ج ۳، ص ۱۳۳). پس از پیامبر (ص) نیز فتنه‌ای بزرگ ایجاد شد و "اسلام با غدیر" که تداوم نبوت بود فراموش شد. (مرعشی، ۱۳۸۷ش: ص ۱۹۰).

رسول گرامی اسلام نیز از وقوع چنین فتنه‌هایی خبر داده بود، آنجا که فرمود: لَيَغْشِيَنَّ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ، يَصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَ يَمْسِي كَافِرًا، يَبِيعُ أَقْوَامٌ دِينَهُمْ بَعْرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا قَلِيلٍ (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ص ۵۶۲). یعنی: پس از من فتنه‌هایی مانند پاره‌های شب تاریک امتم را در بر می‌گیرد، در آن زمان انسان‌ها صبح مؤمنند و شب کافر می‌شوند، و یا شب مؤمنند و صبح کافر می‌شوند، و اقوامی دین خود را در مقابل متاع دنیا می‌فروشند.

امیرالمؤمنین (ع) نیز در جای جای کلامش، به انحراف‌های پس از پیامبر (ص) اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ش: ج ۲، ص ۵۵۹).

در ادامه فتنه‌های دوران خلافت امیرالمؤمنین بررسی می‌شود.

۳-۲-۲. فتنه در عصر خلافت امیرالمؤمنین علی (ع)

در دوران خلافت امیرالمؤمنین سه فتنه و آشوب بزرگ یعنی جمل، صفین و نهروان اتفاق افتاد. امیرالمؤمنین در یکی از خطبه‌ها به ویژگی‌ها و فضائل اهل بیت (ع) اشاره کرده و آن‌ها را به اطاعت اهل بیت (ع) دعوت می‌کند، در همانجا به صورت کلی به فتنه‌ها اشاره می‌کند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴). در ادامه این سه فتنه بزرگ بررسی می‌شود.

۳-۲-۲-۱. فتنه جمل

امیرالمؤمنین پس از ۲۵ سال غصب خلافت، به حکومت رسید اما برخی که منافعی با عدالت علی (ع) سازگار نبود؛ شروع به مخالفت با حضرت کردند. امام (ع) ضمن اشاره به عملکرد طلحه و زبیر، و نیز عایشه در مخالفتشان با عثمان، و فراهم کردن زمینه قتل او، و نیز بیعت مختارانه مردم، ماجرا را توصیف نموده و به وجود فتنه هشدار می‌دهد:

... من شما را از کار عثمان آگاه می‌کنم، چنان که شنیدن آن همچون دیدن باشد: مردم بر عثمان خرده گرفتند. من یکی از مهاجران بودم بیشتر خشنودی وی را می‌خواستم و کمتر سرزنشش می‌نمودم، و طلحه و زبیر آسانترین کارشان آن بود که بر او بتازند، و برنجاندش و ناتوانش سازند. عایشه نیز سربر آورد و خشمی راکه از او داشت، آشکار کرد و مردمی فرصتی افتند و کار او را ساختند. پس مردم با من بیعت کردند، نه نادلخواه و نه از روی اجبار بلکه فرمانبردار و به اختیار؛ بدانید که مدینه مردمش را از خود راند، و آنان در شهر نماندند. دیگ آشوب جوشان گشت، و فتنه برپای و خروشان. پس به سوی امیر خود شتابان بپوید و در جهاد با دشمنان بر یکدیگر پیشی جوید. (نهج البلاغه، نامه ۱).

مخالفان امیرالمؤمنین (ع) با طراحی فتنه، و به بهانه شرکت ایشان در قتل عثمان، جنگ جمل را به راه انداختند.

۳-۲-۲-۲. فتنه صفین

معاویه و یارانش (قاسطان) فتنه ای دیگر طراحی کردند پیامبر در سخنان خود به وفور به فتنه‌ها اشاره کرده‌اند (مسلم، ۱۴۱۶ ق: ج ۴، ص ۱۷۶۶؛ حاکم نیشابوری، پیشین، ج ۴، ص ۵۶۲). امام علی (ع) نیز فتنه بنی امیه را چنین معرفی فرمود: ... در نظر من، ترسناک ترین فتنه‌ها، فتنه فرزندان امیه می‌باشد، فتنه‌ای کور و ظلمانی که سلطه‌اش همه‌جا را فرا گرفته و بالای آن دامنگیر نیکوکاران است... به خدا سوگند بنی امیه بعد از منبر ای شما زمامداران بدی خواهند بود، آنان چونان شتر سرکشی که دست به زمین کوبد و لگد زند و با دندان گاز گیرد و از دوشیدن

شیر امتناع ورزد، با شما چنین برخوردی دارند، و از شما کسی باقی نگذارند، جز آنکس که برای آنها سودمند باشد یا آزاری بدان‌ها نرساند. (نهج البلاغه، خطبه ۹۳). بنابراین یکی دیگر از فتنه‌ها که سبب خونریزی و دو دستگی در امت اسلامی شد فتنه صفین بود.

۳-۲-۲-۳. فتنه نهروان

خوارج با شعار فریبنده "لا حکم الا لله" (مکارم، ۱۳۸۵ ش: ج ۲، ص ۴۱۱) فتنه‌ای دیگر به راه انداختند. این فتنه، گمراه‌کننده‌تر، و از نظر حیرت‌آفرینی و شک‌آوری، شدیدتر بود، و لذا مبارزه با آن نیز به نوعی مشکل‌تر می‌نمود. و تنها امیرالمومنین می‌توانست چنین فتنه‌ای را خاموش کند ایشان می‌فرماید: من فتنه را نشاندم و کسی جز من دلیری اینکار را نداشت، از آن پس که موج تاریکی آن برخاسته بود، و گزند همه‌جا را فرا گرفته بود. از من بپرسید، پیش از آن که مرا نیابید... (نهج البلاغه، خطبه ۹۳).

۴. ویژگی‌های فتنه در قرآن و نهج البلاغه

در ادامه به اختصار نشانه‌ها و ویژگی‌های دو کاربرد مهم فتنه، یعنی "امتحان" و "شبهه افکنی" را می‌کاویم.

۴-۱. ویژگی‌های فتنه مثبت در قرآن و نهج البلاغه

پیش از این گفته شد که یکی از کاربردهای فراوان ماده "فتن" و مشتقات آن، در حوزه امتحانات الهیست که ما آنرا فتنه مثبت نامیدیم. این امتحان و اختبار ویژگی‌هایی دارد:

ویژگی اول: عمومیت

همه انسان‌ها در همه اعصار مورد امتحان الهی واقع می‌شوند. واژه "ناس" در آیه دوم سوره عنکبوت که متن آن ذکر شد، نشانگر این عمومیت است.

ویژگی دوم: پیوستگی

امتحان الهی پیوسته است به تصریح قرآن هر سال دو بار تکرار می‌شود. (توبه/۱۲۶).

ویژگی سوم: هدفمند بودن

برخی از آیاتی که سخن از اختبار بندگان می‌گویند، به هدف آن اشاره می‌کند، و لام تعلیل در همه این آیات، گواه این ادعاست. و شخص حکیم، کار بدون هدف و غرض انجام نمی‌دهد.

ویژگی چهارم: هدف متعالی داشتن (تشخیص صالحان از غیر آنان)

در آیات متعددی به این هدف برتر و انسان‌ساز اشاره شده و بر صیغه تربیتی آن مهر تأیید زده است. مانند: وَ لِنَبِّؤَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّابِرِينَ وَ نَبِّؤُوا أَخْبَارَكُمْ (محمد/۳۱). در جای دیگر آمده: إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبِّؤَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (کهف/۷).

ویژگی پنجم: قطعیت و حتمی بودن امتحان

لام تأکید و نون تأکید در آیه ۳۱ سوره محمد، و ۱۵۵ سوره بقره، و نیز و لحن سؤال تقریری در آیه دوم سوره عنکبوت، و عبارات نهج البلاغه که گذشت، گواه این مدعا است.

ویژگی ششم: وجود شدت و سختی در امتحان

قرآن می‌فرماید: هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا (احزاب/۱۱)، آیه دیگری در سوره بقره نیز که مصادیق امتحان را می‌شمارد، بر این ادعا صحه گذاشته، می‌فرماید: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره/۱۵۵). این آیات بر شدت امتحان تأکید دارند.

ویژگی هفتم: فاعلیت خداوند

در برخی آیات، خداوند عمل اختیار را به خود نسبت می‌دهد. که بحث آن گذشت

ویژگی هشتم: مایه توبه و تذکر بودن

آیه: أَوْ لَا يرون أَنَّهُمْ يَفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ (توبه/۱۲۶) شاهد این ادعا است.

۴-۲. ویژگی‌های فتنه منفی در قرآن و نهج البلاغه

۴-۲-۱. نشانه‌های فتنه

هر چیزی که به نوعی پنهان باشد، باید آنرا از آثار و نشانه‌هایش شناخت. فتنه نیز از نوعی خفا برخوردار است و همین نکته مبارزه با آنرا مشکل تر می‌کند. نشانه‌ها عبارتند از:

اول شبیه ناکی، به گونه ای که قدرت تشخیص صواب از خطا را از انسان‌ها می‌گیرد. امام علی (ع) می‌فرماید: فتنه‌ها آنگاه که روی آورند موجب شبهه شوند، و چون پشت کنند حقیقت چنانکه هست، نشان داده می‌شود. فتنه‌ها چون می‌آیند شناخته نمی‌شوند، و چون می‌گذرند، شناخته می‌شوند، فتنه‌ها چون گرد بادها می‌چرخند، از همه جا عبور می‌کنند، در بعضی از شهرها حادثه می‌آفرینند و از برخی شهرها می‌گذرند (نهج البلاغه، خطبه ۹۳). در جای دیگر می‌فرماید: شبهه به این دلیل شبهه نامیده می‌شود که به حق شبیه است (نهج البلاغه، خطبه ۳۸). این شبهه‌ناکی برای برخی افراد هست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ش: ج ۲، ص ۴۰۵)، برای صاحبان یقین، شبهه‌ناکی نیست.

دوم در آمیختگی حق و باطل امیرالمومنین به آن اشاره دارد. (نهج البلاغه، خطبه ۵۰).

سوم تیره‌گونی و تاریکی فضای جامعه است و از همین رو فتنه به پاره‌های شب تشبیه شده، زیرا در فضای فتنه، راه از بیراهه، و مسیر از پرتگاه قابل تشخیص نیست. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۲).

چهارم از نشانه‌های فتنه، گستردگی و فراگیری آن است. قرآن در این باب می‌فرماید: وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (انفال / ۲۵).

پنجم از نشانه‌های فتنه فاعل آن است. حضرت علی(ع) در خطبه‌ای که تحذیر از فتنه و فتنه‌گران است، در این باره می‌فرماید: آنان در به دست آوردن دنیای پست بر هم سبقت می‌گیرند، و چونان سگ‌های گرسنه، این مردار را از دست یکدیگر می‌ربایند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱) در ادامه همین سخن، امیرالمؤمنین(ع) صفات دیگر فاعلان فتنه را گزارش می‌فرماید: ستمگران فتنه‌گر، در راه ایجاد فتنه هم پیمانند، ولی به سبب حرص و طمع، خود با یکدیگر دشمن بوده و از هم بیزارند، و در نهایت با بغض و دشمنی از یکدیگر جدا می‌شوند، و در هنگام دیدارها نیز به یکدیگر فحش و لعنت نثار می‌کنند.

۴-۲-۲. خاستگاه‌های فتنه

فتنه خاستگاه‌ها و ریشه‌هایی دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۴-۲-۲-۱. هوی و خواهش‌های نفسانی

امام علی(ع) در ارتباط فتنه و هوای نفس در جمله‌ای کوتاه و گویا می‌فرماید: آغاز ایجاد فتنه‌ها، خواهش‌هایی هستند که متابعت می‌شوند. (نهج البلاغه، خطبه ۵۰) در خطبه‌ای دیگر، که تحذیر از فتنه و فتنه‌گران است، می‌فرماید که ویژگی ایشان (فتنه‌گران)، آن است که در راه دنیای پست، و خواهش‌ها و مشتیهات نفسانی از هم سبقت می‌گیرند (خطبه ۱۵۱).

قرآن تیز تبعیت از هوی را مذمت کرده و آن را گمراهی از راه خدا می‌داند: ... وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (ص/۲۶)، در آیه‌ای دیگر، گمراه‌ترین افراد، کسانی معرفی شده‌اند که تحت سلطه هوای نفس خویش قرار می‌گیرند: وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ (قصص/۵۰)، بنابراین هوی و هوس و فتنه لازم و ملزوم هم هستند در تعبیری دیگر امیرمؤمنان می‌فرماید: "الْهَوَىٰ مَطِيَّةُ الْفِتَنِ" (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۰۶) و "الْهَوَىٰ مَرْكَبُ الْفِتْنَةِ" (همان، ص ۱۰۵). بدیهی‌ست شخص بدون مرکب به سختی به مقصد می‌رسد، ولی فتنه‌ها با مرکب "هوای نفس انسان‌ها" در راه رسیدن به منویات پلید خود، به راحتی به اهداف دست می‌یابند.

۴-۲-۲-۲. بدعت‌ها و نوآوری‌های مذموم

بدعت در لغت، به معنای هرگونه نوآورده است. در ادبیات دینی، بدعت همواره مردود و مذموم شمرده شده است و آورنده آن مستحق عذاب الهی است. زیرا نوآوری در دین، به معنای چیزیست که ریشه در کتاب و سنت ندارد و قائلش، آنرا از پیش خود وضع نموده است (طریحی، ۱۴۲۵ ق: ج ۱، ص ۱۲۲). این بدعت‌ها تا آنجا مذموم، که آورنده آن در لسان اهل بیت(ع) کافر شمرده شده است (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ص ۱۲۳). اینگونه نوآمده‌ها چون بر پایه و اساس دین نیست، راهزن و گمراه‌کننده می‌باشد. قرآن نیز عدول از احکام الهی و نوآوری‌هایی که بر اساس هوای نفس ایجاد می‌شود، را مورد مذمت قرار داده، و از آن نهی می‌کند (مائده/۴۹).

امام علی (ع) یکی از ریشه‌های فتنه را احکامی نو می‌داند که در دین آسمانی بوجود می‌آیند: **وَأَحْكَامٌ تُبَدَعُ**. این بدعت‌ها که عموماً رنگ شرع و دین دارند، باعث اختلاط حق و باطل، و در نتیجه پراکندن فتنه شده و در نهایت، امور را بر مردم مشتبه ساخته و آنان را به ضلالت می‌افکنند. امیر مؤمنان در سخنی دیگر، مبعوض‌ترین اشخاص را نزد خدا کسی می‌داند، که که خدا وی را به خود وانهاد و لذا از مسیر حق فاصله گرفته و به بدعت روی آورده، و با آیین‌های نوساخته، مسلمانان را به فتنه می‌افکند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷).

امام علی (ع) در ادامه سخن فوق، ویژگی بدعت را مخالفت با کتاب الهی و سردمدارانی بر غیر دین الهی بر می‌شمرد. (نهج البلاغه، خطبه ۵۰).

بنابراین، متولی بدعت‌ها رجالی هستند که به دین خدا اهمیتی نمی‌دهند. هدف ایشان از ایجاد احکام جدید قابل تأمل است. آنها از آن جهت که تحت سلطه امیال نفسانی خویشند، و به تزکیه و اخلاص نرسیده‌اند، به سبب حس برتری جوئی و خود بزرگ بینی، لازم است مردم را در اطراف خویش جمع کنند، تا ارضاء خواهش نفس نموده و به قدرت برسند. امیرالمومنین این بدعت‌گذاران را چنین معرفی می‌فرماید: کتاب خدا را به رأی خویش تفسیر می‌کند، و حق را چنانکه دلخواه اوست تعبیر کند. مردم را از بلاهای سخت ایمن می‌دارد، و گناهان بزرگ را آسان شمارد. در کارهای شبهه ناک افتاده است ولی می‌گوید: من چون شبهه‌ای باشد باز ایستم. در حالی که در بدعت‌ها آرمیده است و گوید: اهل بدعت نیستیم... (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). یعنی: مصداق امروزی کلام امام علی (ع) را می‌توان تحت شعار و عنوان "قرائت‌های جدید از دین" که با قرآن و گفتار معصومان مخالف است؛ یافت. درست است که آیات قرآن و احادیث، در هر زمانی مصادیق جدید دارند، ولی این، بدان معنا نیست که اندیشه‌ها و آراء بشری بر آندو حاکم شوند (و اصل و مبنا قرار گیرند و قرآن و گفتار معصومان فرع قرار گیرد)؛ چنین رویکردی، غیر از بدعت چیزی نیست (قدر ولایت، ۱۳۸۸ش، ص ۴۵).

۵. راه‌های رهایی از فتنه

همانطور که گفته شد بدون شک فتنه‌ها واقع می‌شوند، و هر انسانی در طول زندگی خود، با آنها روبرو می‌گردد. اگر چه شناخت نشانه‌ها و نیز خاستگاه فتنه که ذکر شد، برای مبارزه با آن لازم است، ولی شناخت راه‌های مقابله با فتنه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، لذا در ادامه به راه‌های رهایی از فتنه می‌پردازیم.

۵-۱. ضیاء و نور یقین

همانطور که پیش از این اشاره شد ویژگی فتنه، ایجاد فضای تاریک و غبارآلود است. در چنین شرایطی مسلماً اولین نیاز، نور و روشنائی است که تاریکی را نابود کند. سلاحی که ایجاد چنین نوری می‌کند، و در راه مبارزه با فتنه لازم است، به تصریح امیرالمؤمنین (ع) یقین می‌باشد: یعنی دوستان خدا در فتنه‌ها، چراغشان یقین، و راهنمایان مسیر هدایت است،... (نهج البلاغه، خطبه ۳۸).

تعبیر یقین به دو معنا می‌تواند باشد. نخست آنکه اولیاء خدا به خاطر یقین به مبانی وحی، به سراغ قرآن و سخنان پیشوایان معصوم رفته و در پرتو این دو نور، ظلمات شبهه‌ها را در هم شکسته و از چنگال آن رها می‌شوند. دیگر آنکه مراد از یقین، استفاده از مفدمات قطعی و امور یقینی است که هر گاه انسان در تجزیه و تحلیل‌های خود بر آنها تکیه کند، می‌تواند گره شبهه‌ها را گشوده، از ظلمات فتنه خلاص شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش: ج ۲، ص ۴۰۷). به تعبیر دیگر حجاب هوس‌ها، مانع تعقل ایشان نشده و به راحتی حق را از باطل تشخیص می‌دهند.

۲-۵. تقوا

قرآن تقوا را "فرقان" یا نیروی تمیز دهنده حق و باطل نامیده است. راه به دست آوردن شناخت حق و باطل تقوا است، که قرآن و روایات معصومان (ع) بسیار بر آن تأکید نموده است (یساقی، ۱۳۸۰ش: ص ۱۸۸). قرآن می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا** (انفال/۲۹).

تقوی به معنای "نگهداری" است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۸۱)، و منظور از آن، نیرویی است که مانند حصاری محکم، صاحب خویش را از آلودگی و گناه باز می‌دارد، و نیز صاحب این حصار، به تصریح قرآن، دارای فرقان می‌شود، و در نتیجه از فتنه‌ها مصون می‌ماند، چون حق بر او مشتبه نمی‌گردد. امیرالمومنین درباره آیه **...مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (طلاق/۲)** می‌فرماید: بدانید که خدا برای صاحب تقوی، راه خروج از فتنه‌ها، و نیز روشنائی در ظلمات را عطا می‌نماید. ... (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳)، حضرت، در جای دیگر نیز، برای مبارزه با شبهه‌ها، که مولود نامسعود فتنه هستند، تقوا را لازم شمرده، می‌فرماید: کسی که از وقایع پیش روی خود، عبرت بگیرد، تقوا او را از غرق شدن در شبهات نگاه می‌دارد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

۳-۵. بصیرت و هوشیاری

راه دیگر برای مقابله با فتنه‌ها، بلکه مهم‌ترین راه، کسب بصیرت و ژرف نگریست. بصیرت به معنای آگاهی همه جانبه و عمیق به امور، بینائی دل و روشن بینی می‌باشد، و در قرآن و روایات، به ویژه در نهج البلاغه بر آن بسیار ترغیب و تأکید شده است. قرآن ضمن مدح بصیرت در مواضع متعدد، اعلام می‌کند که این صفت به سود هر کسی است که آنرا دارد. (انعام/۱۰۴). امام علی (ع) نیز کسی را شخص بصیر می‌داند که فریب ظواهر امور را نمی‌خورد، و سرانجام هر کاری را پیش از اقدام به آن می‌کاود. بر همین اساس است که امیرالمؤمنین (ع)، در خطبه‌ای پس از معرفی شروط لازم برای خلیفه، و لزوم مجازات مخالفان، می‌فرماید: باب جنگ بین شما و کسانی که رو به قبله نماز می‌خوانند (یعنی مسلمانان) باز شده است، و این پرچم مبارزه راجز افراد آگاه و بااستقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی‌کشند. (همان، خطبه ۱۷۳)، کنایه از اینکه اگر کسی به ظاهر مسلمان بود و نماز خواند و قرآن تلاوت کرد، حرمت جنگ با وی را موجب نمی‌شود؛ زیرا معیار مسلمانی، حق و حقیقت است، و اگر با ناکثان و

قاسطان و مارقان می‌جنگیم، به سبب بصیرتی است که نسبت به نیات و اعمال ایشان داریم. مسلماً چنین جنگی نیاز به سه ویژگی پیش گفته دارد. بصیرت موجب می‌شود که شخص فریب ظواهر را نخورده و به عواقب بیندیشد. صبر موجب می‌شود که شخص در مقابل فتنه‌ها و مشکلات، پایداری کرده و از جا در نرود؛ و بالاخره علم به جایگاه حق، موجب می‌شود که شخص، از مقوله اختلاط حق و باطل، و شبهه‌ها در امان بماند.

در جای دیگر امام علی(ع) رسیدن به حکمت را منوط به وجود بصیرت می‌کند (همان، حکمت ۳۱)، و یا از اظهار نظر کردن در مواردی که شخص در آن ژرف نگری و بصیرت ندارد، نهی می‌فرماید.

در جنگ جمل می‌فرماید: آگاه باشید که شیطان حزب خود را فراهم ساخته، و سوار و پیاده‌اش را فراخوانده، و- به سوی شما- تاخته. حقیقت‌بینی و بصیرت من با من است، نه حق را از خود پوشیده داشته‌ام، و نه بر من پوشیده بوده است. (همان، خطبه ۱۰).

امیرالمؤمنین به محمد بن ابوبکر هنگام گماردن او به امارت پس از سفارشات لازم می‌فرماید: وَ اَمْضِ عَلَيَّ بِبَصِيرَتِكَ (همان، نامه ۳۴)، یعنی: باینایی به حرکت کن.

مقام معظم رهبری نیز با تأسی به اولیاء معصوم(ع) پیوسته بر وجود بصیرت تأکید نموده و بهترین راه مبارزه با فتنه‌های شرق و غرب را همین ژرف نگری می‌شمارند. ایشان در حوزه دفاع از دین، ضروری‌ترین چیز را بصیرت دانسته و معتقدند که در جبهه‌های باطل، این فساق و فجّار نبودند که حاضر شدند، بلکه بی بصیرت‌ها بودند (صهبا، ۱۳۸۹ش: ص ۹). ایشان بصیرت را مانند نورافکن و قبله نما و قطب نما می‌دانند، که نداشتن آن، معادل سرگردانی در بیابان‌های حیرت و ضلالت است (همان). بعلاوه چنانچه در کلام امیرالمؤمنین(ع) ذکر شد، ایشان نیز وجود صبر و شکیبائی را در کنار بصیرت لازم می‌شمارند، و نبودن صبر را موجب تداوم خطا قلمداد می‌نمایند، زیرا بصیرت، شرط لازم برای موفقیت هست، ولی کافی نیست (همان، ص ۱۲). ایشان ضمن مقایسه عصر حاضر با عصر جاهلیت، خطبه امیرالمؤمنین(ع)، که ذکر آن گذشت، را مانند یک ترسیم هنری و یک اثر ماندگار نقاشی دانسته (همان، ص ۱۴۳)، معتقدند که بر همان اساس، اکنون نیز نیاز به همان ضیاء لامع و خورشید منور وجود دارد، زیرا امروزه هم فتنه‌های مجذوب‌کننده و سرگردان‌کننده بشر حاکم است، و تنها رنگ و لعاب تمدن به خود گرفته است (همان، ص ۱۴۴).

۵-۴. تمسک به ثقلین

از دیگر لوازم مبارزه با فتنه‌ها، بلکه پایه و اساس آنها، رجوع و تمسک به قرآن و عترت (ع) است. در این باب نیز در قرآن و روایات، توصیه‌های فراوانی به چشم می‌خورد. خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که در هنگام وقوع اختلاف‌ها و نزاع‌ها، که فتنه هم نوعی از آن است، به خدا و رسول رجوع کنند: ... فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ... (نساء/۵۹)،

امام علی(ع) در سخنی، به روشنی اعلام می‌کند که خود و فرزندان و الیان امری هستند که قرآن بر اطاعت ایشان امر کرده است. نبی مکرم اسلام نیز که بارها از وجود فتنه‌های پس از خویش خبر داده بودند، پیوسته سفارش به تمسک بر قرآن به هنگام بروز فتنه‌ها داشتند. (کلینی، پیشین: ج ۲، ص ۵۹۶). نیز در گفته‌های فراوان از جمله حدیث ثقلین، به تمسک بر عترت پای فشرده و برای عدم ضلالت، وجود هر دو رکن را لازم دانسته‌اند (مجلسی، پیشین: ج ۲۳، ص ۱۲۶-۱۰۷). همچنین می‌فرماید: برای هر بدعتی پس از من، سرپرستی از خاندان من گماشته شده که از ایمان دفاع کند و حق را آشکار سازد (کلینی، پیشین: ج ۲، ص ۳۷۵).

بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های رهایی از فتنه تمسک به ثقلین است که آیات و روایات زیادی به آن اشاره دارد.

۵-۵. وظیفه نهائی

امام(ع) در کلام بی نظیری، راهکار نهائی را ارائه کرده و می‌فرماید: *كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ لَظْهَرٌ فِيرُكَبُو لَأَضَرَ* *فِيُجَلَبُ* (نهج البلاغه، حکمت ۱)، یعنی در فتنه‌ها همچون بچه شتر دوساله باش که نه پشت دارد تا سوارش شوند، و پستان دارد که بدوشندش.

از این سخن، برخی از عالمان، به غلط چنین برداشت کرده‌اند که حضرت به کناره‌گیری از فتنه‌ها، و گوشه‌گیری، و خود محفوظ داری تشویق نموده‌اند، در حالی که چنین نیست. بلکه مراد آنست که در زمان بروز فتنه‌ها، که فتنه‌گران در صددند از اعتقادات مردم سوء استفاده نموده و آنها را به سوی خود جلب کرده و نردبان موفقیت خود بسازند، شما نردبان پیروزی ایشان نشوید. نه استثمار شوید که از شما بهره‌کشی کنند (دوشیدن شیر)، و نه استحمار شوید که از شما سوء استفاده کنند (سواری دادن)؛ بلکه هوشیار باشید و حق را دریافته و فتنه‌گران را بشناسید، و امکان بهره برداری مادی و مذهبی را برای آنان فراهم نکنید. اگر چه این عبارت، در نهج البلاغه بطور مختصر بیان شده، ولی در مصادر دیگر به شکل کامل نقل شده، و لذا منظور حضرت علی(ع) به خوبی روشن می‌شود (حسینی، ۱۳۹۵ق: ج ۴، ص ۸). آن عبارات، توصیف‌کننده فضای وهم‌آلود و غبار اندود فتنه می‌باشد، و مراد امام(ع) همانست که مردم مراقب باشند، تا مرکب هوس‌ها و امیال فتنه‌گران نشوند، و این چیزی نیست جر همان بصیرت و ژرف نگری در امور، که پیوسته مورد تأکید حضرتش بوده است.

نتیجه گیری

پس از بررسی‌ها مشخص شد که فتنه در لغت و معاجم قرآنی و مفسران دارای معانی مختلفی از جمله امتحان، اضلال، آشوبگری و ایجاد اختلال در امور، عذاب و غیره است. که نوع موضع‌گیری افراد نسبت به فتنه اهمیت خاصی دارد در نهج البلاغه نیز مفهوم فتنه گاهی با هدف مثبت تربیتی به کار رفته و گاهی با هدف گمراه‌سازی اتفاق می‌افتد برخی از این فتنه‌ها پیش از امیرمومنان اتفاق افتاده و در زمان حکومت ایشان فتنه جمل، صفین و نهروان رقم خورد که ایشان با این فتنه‌ها به مقابله پرداخت. برخی خاستگاه‌ها و ریشه‌های فتنه از منظر امام علی(ع) هوی و هوس و بدعت‌ها است که قرآن و امام علی(ع) توصیه بر دوری و برحذر بودن آن‌ها تاکید می‌کنند.

درباره ویژگی‌های فتنه هم باید گفت که فتنه دارای ویژگی‌های مثبت و منفی است که قرآن و روایات به آن اشاره دارد. در قرآن و روایات راهکارهای رهایی از فتنه نیز نور یقین تقوا و بصیرت و هوشیاری برشمرده شده است که فرد به واسطه این خصوصیات می‌تواند از فتنه‌ها در امان بماند.

منابع

- قرآن، ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه مکارم شیرازی.
- آمدی تمیمی، عبد الواحد، (۱۳۶۶ش)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات، چاپ اول، یک جلد.
- ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنبؤ*، بیروت: مؤسسه التاریخ، ۳۰ جلد.
- ابن فارس، ابو الحسین احمد، (بی تا)، *معجم مقاییس اللغه*، قم: دارالکتب العلمیه، ۶ جلد.
- ابن منظور، ابو الفضل محمد بن مکرم، (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۸ جلد.
- بهشتی، احمد، آغاز فتنه‌ها، *مجله درس‌هائی از مکتب اسلام*، شماره ۵۲۷.
- حبیب بن ابراهیم، ابو الفضل، (۱۳۶۰ش)، *وجوه قرآن تصحیح مهدی محقق*، تهران: بنیاد قرآن وزارت اوقاف چاپ چهارم.
- حسامی، فاضل، آسیب‌شناسی دین در سیره علوی، *مجله معرفت*، شماره ۴۳.
- حسینی، سید عبد الزهراء، (۱۳۹۵ق)، *مصادر نهج البلاغه*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین، (۱۴۰۴ق) *انوار درخشان*، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: چاپ اول، ۱۸ جلد.
- دامغانی، ابو عبدالله، (۱۴۱۲ق)، *الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز*، قاهره: وزارت اوقاف، ۲ جلد.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق: دارالقلم، چاپ اول.

- شهابی، اویس و شیخی، حمیدرضا، موضع علی(ع) در برابر فتنه‌ها، مجله مشکوه، شماره ۲۷.
- ضریر نیشابوری، ابو عبد الرحمن اسماعیل بن احمد، (۱۹۹۶م)، وجوه القرآن الکریم، دمشق: دارالسقا، چاپ اول.
- طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۲۲ جلد.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۰ جلد.
- طریحی، فخر الدین، (۱۴۲۵ ق)، مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بی جا: مکتب اعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۰ جلد.
- طیب، محمد حسن، (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۴ جلد.
- فخر رازی، محمد بن عمر الخطیب، (۱۴۱۷ق)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۱ جلد.
- فراهیدی، ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، العین، بی جا: موسسه دار الهجره، چاپ دوم، ۹ جلد.
- فیومی مفری، احمد ابن محمد، (۱۴۲۵ ق)، مصباح المنیر، قم: دار الهجره، چاپ سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲ش)، تهران: چاپخانه اسلامی، چاپ دوم، ۵ جلد.
- محمد قطب، (۱۴۱۷ق)، فی ظلال القرآن، قاهره: دار الشروق، چاپ بیست و پنجم ۶ جلد.
- مرکز صهبا، (۱۳۸۹ش)، بصیرت و استقامت، تهران: موسسه جهادی صهبا، چاپ پنجم، ۱ جلد.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بی جا: روابط عمومی وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۸۵ش)، پیام امام امیر المومنین ع، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱ جلد.
- موسسه فرهنگی قدر ولایت، (۱۳۸۸ش)، فتنه و فتنه‌گران، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ دوم، ۱ جلد.
- هارون بن موسی، (۱۴۰۹ق)، الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم، بغداد: دائره الآثار و التراث.
- یساقی، علی اصغر، (۱۳۸۰ش)، فتنه از نگاه قرآن و حدیث، تهران: انتشارات تاریخ و فرهنگ، چاپ اول، ۱ جلد.